اخبار صحنه

تئاترشناسی یونسکو در دانشگاه تهران

همایش تئاترشناسی اوژن یونسکو، ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه جاری در دانشگاه تهران برگزار می‌شود. به گزارش سایت ایران‌تئاتر، این همایش که توسط کانون نمایش اداره امور فرهنگی و فوق‌برنامه دانشگاه تهران و با همکاری گروه هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبا و زیر نظر پروفسور کامیابی‌مسک برگزار می‌شود، دومین همایش تئاترشناسی نویسندگان معاصر است که توسط این کانون نمایش برگزار می‌شود. این همایش شامل بخش‌های مختلفی مانند سخنرانی، میزگرد، پخش فیلم و فیلم تئاتر، اجرای نمایش و نمایشنامه‌خوانی است و تاکنون در برنامه سخنرانی‌های همایش تئاترشناسی یونسکو نام این افراد دیده می‌شود: دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی با موضوع «زبان در نمایشنامه‌های یونسکو»، دکتر فرشید ابراهیمیان با عنوان «ساختمان، زبان، معنا»، پروفسور احمد کامیابی‌مسک با عنوان «نقد نمایشنامه‌های یونسکو»، دکتر قطب‌الدین صادقی با عنوان «استهزا در آثار یونسکو»، احسان مقدسی با عنوان «اساطیر و اندیشه اساطیری در آثار یونسکو با نگاهی به نمایشنامه شاه می‌میرد». همچنین دکتر محمدرضا خاکی و سعید اسدی در این فهرست قرار دارند. در بخش فیلم تئاتر نیز نمایشنامه «درس» و فیلم کوتاهی با عنوان «مروری بر زندگی و آثار یونسکو» اکران می‌شود. گفتنی است همایش تئاترشناسی یونسکو ساعت ۱۰ صبح تا ۱۹ در روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت برگزار می‌شود.

بازیگران نمایش هما روستا

هما روستا بازیگر و کارگردان تئاتر، این روزها سرگرم تمرینات اولیه نمایش «تله ـ ویزیون» نوشته عبدالحی شماسی است. به گزارش ایسنا، این نمایش که با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون امیر جعفری، ریما رامین‌فر و احمد مهران‌فر به روی صحنه خواهد رفت، قرار است تیر ماه امسال در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر اجرا شود.

علیزاد با دیوید ممت در تئاتر شهر

نمایش «اولئانا» نوشته دیوید ممت و به کارگردانی علی‌اکبر علیزاد از تیر ماه در سالن شماره ۲ مجموعه تئاترشهر اجرا می‌شود. علی‌اکبر علیزاد کارگردان نمایش «اولئانا» در گفت‌وگو با سایت ایران‌تئاتر همچنین از احتمال انتشار نمایشنامه «اولئانا» از سوی نشر ماهی خبر داد. علیزاد که نمایش «اولئانا» را سال گذشته در جشنواره تئاتر فجر در کارگاه نمایش در دو نوبت اجرا کرد، درباره اجرای عمومی آن به خبرنگار سایت ایران تئاتر گفت: «بنابر تغییر محل اجرا از کارگاه نمایش به سالن شماره ۲، اجرای دکور تغییر خواهد کرد و در واقع این عمده‌ترین تغییری است که اجرای عمومی با اجرای جشنواره خواهد داشت. تلاش می‌کنیم بازی‌ها و میزانسن به همان شکل باشد.» وی در پاسخ به این پرسش که برخی از انتقادها نسبت به میزانسن‌ها بود گفت: «از اتفاق به نظرم بهترین جنبه اجرای جشنواره، میزانسن‌های آن بود. اجرای «اولئانا» در جشنواره نسبت به دیگر اجراها مورد نقد و بررسی قرار گرفت و پوشش مطبوعاتی بیشتری داشت. تلاش کردم در اجرای نمایشنامه دیوید ممت به عنصر موسیقایی متن تاکید کنم و این خواسته در بازی بازیگران وجود داشت.» کارگردان نمایش «اولئانا» با ابراز امیدواری از موفقیت اجرای عمومی نمایشش گفت: «خیلی به جذب تماشاگر به‌ویژه مخاطب دانشگاهی اعتقاد دارم. ممت در میان دانشجویان، چهره شناخته‌شده‌ای است، در حالی که اجرای ما اولین نمایش عمومی و حرفه‌ای از آثار این نمایشنامه‌نویس برجسته است.» علیزاد در پایان آرزو کرد به‌زودی بتواند نمایشنامه «روزهای خوش» بکت را اجرا کند. وی در حال حاضر مشغول ترجمه این نمایشنامه است.

رستم و سهراب در مکزیک

جشنواره‌های «شش‌هزار سال تمدن ایران» در مکزیک و «هنرهای آسیایی» در اسپانیا میزبان نمایش «اپرای عروسکی رستم و سهراب» خواهند بود. بهروز غریب‌پور کارگردان اپرای عروسکی «رستم و سهراب» در گفت‌وگو با سایت ایران‌تئاتر گفت: طی رایزنی‌هایی که با لهستان انجام شده پیشنهاد شده که نمایش «رستم و سهراب» در جشنواره «پوزنان» لهستان که یکی از معتبرترین جشنواره‌های این کشور است اجرا شود که البته امسال امکان این کار برایمان مقدور نیست و سفر در سال ۱۳۸۶ انجام می‌شود. همچنین جشنواره‌های «شش‌هزار سال تمدن ایران» در مکزیک و «هنرهای آسیایی» در اسپانیا میزبان این نمایش خواهند بود. وی با اشاره به اجرای اپرای عروسکی «رستم و سهراب» در حاشیه بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی افزود: این نمایش به مدت هفت شب در تالار هاشمی مشهد اجرا می‌شود. اجرای این نمایش در مشهد اولین تجربه‌ای است که در مورد صحنه سیارمان مورد آزمایش قرار می‌دهیم و پس از آن سفرهای خارجی برای این نمایش پیش‌بینی شده است. وی در ادامه افزود: «پس از اجرای اپرای عروسکی «رستم و سهراب» در مشهد تمرینات نمایش «قصه تلخ طلا» با مدت‌زمان یک بار در هفته آغاز می‌شود. در این نمایش ایرج راد، نسیم ادبی، نعمت‌الله اسداللهی و محمد ساربان ایفای نقش دارند.

اشارتی به سواد یک تحول در تئاتر شهرستان‌ها

تئاتر پساجشنواره

محمود استادمحمد

بی‌مقدمه می‌نویسم، چون اطمینان دارم مقدمات بدهنجاری‌های تئاتر شهرستان، مدت‌هاست که مثل میخ در بیخ گلوی دلواپسان تئاتر، فرورفته است.

موجودیت تئاتر شهرستان، در غنای تئاتر پایتخت، همواره روزگار حکم یک گنجینه را داشته است. گنجینه‌ای که کلیدش هرگز در اختیار گروه‌های شهرستانی نبوده است و نیست.

فرهنگ اقوام ایرانی، آداب و آئین‌های شهرهای مرزی، اساطیر کویر و افسانه‌های بنادر خلیج فارس، حماسه‌های آذربایجان و کردستان، دل حادثه در ادبیات مناطق جنگلی و آن زبان سرشار از متل‌ها و مثل‌ها و استعارات خراسان، همیشه و همواره مثل یک چشمه جوشیده است، چشمه‌ای که به وسیله یک نقب پیچ در پیچ خوفناک از آن سوی جنگل‌ها و کوه‌ها و کویرها به بستر تئاتر پایتخت منتقل شده بی‌آنکه از سخاوت سیراب‌کننده‌اش، گل‌نمی بر لب‌های خشک و ترک خورده دشت و دمن و دامنه‌ها بنشیند و این قصه جگرسوز، از آن دوران تا امروز، همچنان و هنوز ادامه دارد. با این تفاوت که در آن روزگاران استعدادهای مثل ایرج صغیری و رضا صابری خود را به تهران رساندند اما در قله قاف تئاتر پایتخت، پر ریختند ولی امروز به گمان من درخشان‌ترین استعدادهای تئاتری ما، جوان‌هایی هستند که بر حسب ندرتی نادر به تهران کوچ کرده‌اند و با اتکا به تجربه ناکامی‌های نسل صابری و صغیری، بر قله قاف تئاتر پایتخت ایستاده‌اند. اما، آیا حضور این چند جوان را می‌توان بهای پرداخت شده همه استعدادهای متروک و منزوی محسوب داشت؟

تفاوت دیگر آنکه، در آن دوران انتساب سیاهه ضعف‌های امور اجرای تئاتر به مدیران دولت شاهنشاهی دل شیر می‌طلبید. گفتن و نوشتن همان و منزوی شدن همان. ولی امروزه روز مقصر شمردن و کوبیدن مسئولان تئاتر، یک رسم شده است. بهایی در حیطه مدیریت یا کلید رمزی در تضمین تداوم احکام مدیرانی که در برابر این انتقادهای سطحی و شخصی، مصونیت پیدا کرده‌اند. واقعیت این است که ماهیت این خرده‌فرمایش‌های ارزان‌بها، اصل انتقاد را از سکه انداخته است. کار به جایی رسیده که اگر دو تا کلمه حرف حساب هم داشته باشی از مطرح کردنش پروا می‌کنی که مبادا تو هم نوعی از انواع مخالف‌خوان معمول و متداول قلمداد شوی. مخالف‌نوازان فرصت‌یاب و امتیازشناسی که برای بلع اعتبارات مالی تئاتر، دندان گرد و اشتهایی سیری‌ناپذیر دارند. و این، نه بدان معناست که تئاتر ایران از مدیریتی بی‌نقص برخوردار است، چه ابله باشم اگر بخواهم چشم‌هایم را بر نقایص آئین‌نامه‌های اجرایی و تصمیم‌های اشتباه مدیران ببندم و ابله‌تر آن زمانی که همه نقایص را به مدیریت تئاتر منتسب کنم.

اگر مدیریت تئاتر هزار مشکل داشته باشد، من و تو، در مقام اهل صحنه، به عنوان نویسنده و کارگردان و بازیگر و طراح و آهنگساز و... هزار و یک مشکل داریم که یکی از آن‌ها هزار و یکمین‌اش تئاتر نه برای هنر، تئاتر نه برای تئاتر، تئاتر نه برای مردم، تئاتر نه برای لذت و خدمت و اعتبار، نه، هیچ کدام مهم نیست، تئاتر برای پول، فقط پول.

سه چهار سال پیش پای موجودی ناشناخته در مرکز هنرهای نمایشی باز شده بود. شخصی بدمنظر و بدقواره که حضورش در یک مرکز هنری، می‌توانست تا حد هبوط یک موجود فضایی، غریب و نامکشوف باشد. شاید چند جلسه‌ای هم در یکی از آموزشگاه‌های تئاتر وقت تلف کرده باشد. به هر تقدیر آن موجود، در غرغره عناوینی مثل پست‌مدرنیسم، دهانی متوسع داشت. تا اینکه یک روز، در اتاق یکی از مدیران مرکز، بعد از یک بحث فرسایشی در حضور جمع گفت: «من می‌خوام این نمایش رو ببرم روی اکران برای اینکه دو قرون از دست مردم پول بگیرم.»

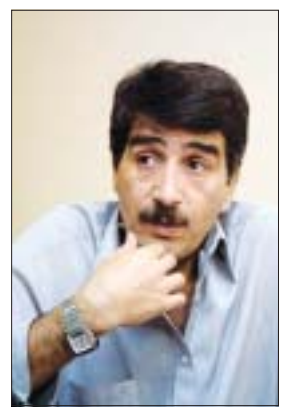

آن روز گفتم: «تو چه خوش اقبالی که در این دوران داعیه تئاتر داری، چون به روزگار ما، اگر کسی در حراج تئاتر با این وقاحت و صراحت، حتی با کنایتی چندلایه چنین زباله‌ای تولید می‌کرد، برداشتن قید سلامت از دهان و دندانش، ساده‌ترین اتفاقی بود که می‌توانست بیفتد. آن روز ضربات کلمات آن شخص، اختیار را از من زایل کرده بود ولی امروز در کمال آرامش از خودم می‌پرسم: «ما چه کرده‌ایم؟ تا کجا رفته‌ایم؟ به عقوبت کدام کفر در قاموس هنر، مجبور به شنیدن چنین حرف‌هایی شده‌ایم؟ به عقوبت کدام کفره تلوث آن تلقی و لوث آن نگاه در تئاتر ایران عمومیت پیدا کرده است؟ همان نگاه بر عیار پول معیاری که با آن وارد اتاق مدیران می‌شویم، با آن پای قرارداد می‌نشینیم، با آن حرف می‌زنیم و نظر می‌دهیم و رهنمودهای پیشکسوتانه صادر می‌کنیم و با آن وارد حیطه تئاتر شهرستان می‌شویم. به عنوان داور و ناظر و مدیر و میهمان ویژه در جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای حضور به هم می‌رسانیم و در ماراتن حکم کردن و سکه گرفتن، نظریه صادر فرمودن و سکه گرفتن، تکبر فروختن و سکه گرفتن شرکت می‌کنیم. حدیث سکه‌های طلای جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای و جیب‌های رنگال مرسلین مرکز، نه مصیبتی است که به آسانی فراموش شود.

آهای، ای وجدان‌های پائیزی

اگر هنر قدرت تفکر و تخیل دارید
به برف‌های چله بزرگ بیندیشید
که زمستان در راه است

گرداننده جشنواره فلان استان، با گردن کج از بودجه حقیر و مفلوک جشنواره‌اش ابراز شرمندگی می‌کرد و بنده داور، بنده ناظر، بنده مدیر مرکز فرستاده، در جشن اختتامیه، سکه اهدایی را بر کف صحنه می‌انداختم که: حضور من در برابر یک سکه؟

اعضای یک گروه شهرستانی بوی روغن سوخته می‌دادند، چون تئاترشان را شب‌ها در یک دکان تعویض روغن، روی چال سرویس، تمرین می‌کردند و بنده استاد پیشکسوت برای برگزاری یک کارگاه سه‌چهارروزه، قبل از عزیمت شرایطم را طی می‌کردم. بلیت رفت و برگشت با پرواز درجه یک، هتل چهارپنج ستاره، اتومبیل شخصی و... دو میلیون تومان پول نقد.

از آن چه که کاشتیم توقع چه برداشتی می‌توانستیم داشت؟

می‌خواستم بدون مقدمه چند کلمه از تئاتر شهرستان بنویسم ولی همه صحبتم مقدمه شد. ز بسیاری درد است که عنان کلام رها می‌شود.

ولی روا نیست که اصل حرف را ناگفته بگذارم. چند روز پیش شنیدم که مسئولان تئاتر شهرستان، عطای جشنواره‌های بی‌ثمر را به لقای آمار مدیریتی بخشیده‌اند و تمام بودجه جشنواره‌ها را به اجرای عمومی گروه‌های شهرستانی در شهر و دیار خودشان اختصاص داده‌اند. و تا آن جایی که من می‌دانم این تصمیم، منتهای آرزوی گروه‌های شهرستانی بود.

بچه‌های شهرستان برای اجرای عمومی پرپر می‌زدند و علاج بیماری، چاره درد، در همین تصمیم است. چقدر؟ تا کی بچه‌های شهرستان سه‌چهار ماه تمرین کنند تا بعد از پشت سر گذاشتن هفت خوان حوادث غیرقابل پیش‌بینی، یک شب در یک جشنواره، یک اجرا داشته باشند یا نداشته باشند، و در صورت اجرا، آیا انتخاب شوند آیا نشوند. انتخاب‌هایی که به اساس و انگیزه‌هایش قبلاً اشارتی داشتم.»

تئاتر غریزه دارد و تئاتر شهرستان به دلیل محرومیت‌های بی‌دریغش از غرایزی حساس‌تر و جوشنده‌تر برخوردار است. تئاتر، درک و فهم دارد، می‌فهمد، خوب را از بد، زیبا را از زشت متمایز می‌کند، به همین دلیل سلام نااهلان را بی‌پاسخ می‌گذارد، از رندان فرصت‌طلب می‌گریزد ولی برای دیدار پاکان روزگار تلاش می‌کند، وقت می‌گذارد، آنان را می‌یابد و درهای دلگشاترین باغ‌های زیبایی و آرامش را، به رویشان می‌گشاید و تئاتر شهرستان در این تمایز و تشخیص، در تفکیک زشت از زیبا و راه از چاه، غایت شناخت و دریافت را در خود جمع دارد. رگه‌های حیاتی تئاتر شهرستان به سه هزار سال تاریخ تئاتر جمال و مدنیت انسان وصل است.

تئاتر، برای تاریخ انسان و انسان تاریخی، فرهنگ و ادب و آداب خلق کرده، مگر ممکن است در جاری ساختن جوی حیات خود ناتوان باشد؟

بگذاریم تئاتر شهرستان به زندگی خودش دست یابد، بگذاریم پرچم طایفه خود را استوار کند، اجازه دهیم که نوزادان و نوباوه‌گان و نوجوانان خانواده تئاتر، با زبان مادری خود خو بگیرند، با مهر مام تئاتر تربیت شوند و با همان خوی و خصلت و غیرت خانوادگی بنویسند، تمرین کنند، بجنگند، زمین بخورند، و دوباره از جا برخیزند و به اجرا دست یابند، بگذاریم حاصل مرارت‌ها و خستگی‌ها و خلاقیت‌هایشان را، برای مردم شهر و دیار خودشان روی صحنه ببرند و مطمئن باشیم که تماشاگر به معنای واقعی کلمه هرگز اشتباه نمی‌کند. پای نمایش می‌نشیند، نگاه می‌کند، واقعیت تفکر، صداقت یا عدم صداقت نمایشگر را درمی‌یابد یا می‌پذیرد یا پس می‌زند و برای هر دو وجه عکس‌العملش دلایلی محکم و منطقی و اغلب غیرقابل بیان دارد. حیات تئاتر شهرستان را از خرده سلایق ناظران سکه‌ساز، به سمت اراده و درک و فهم تماشاگر شهرستانی سوق دهیم و آن گاه منتظر باشیم که به تئاتری با وسعت کشور ایران، به تئاتری اصیل و غیرمقلد، به تئاتری خلاقه و موثر و مردمی دست‌یابیم. دفتر شهرستان‌های مرکز هنرهای نمایشی، با حمایت از طرح اجراهای عمومی به جای جشنواره‌های استانی، تن به تحولی پرشهامت سپرده است. قدم به راهی ناهموار و پرسنگلاخ گذاشته است و منتظران منسوخ شدن جشنواره‌ها از قلوه‌سنگ‌های حاشیه این جاده ناهموار ناپیموده غافل نیستند، منتفعان دیروز و متضرران امروز، دستشان به این قلوه‌سنگ‌های تیز و زخم‌زننده می‌رسد و بی‌تردید در آغاز راه از سنگ‌پرانی غفلت نمی‌کنند. امیدواریم که مسئولان تئاتر شهرستان به خیر و صلاح و اصلاح تصمیم خود ایمان داشته باشند و پای تصمیم‌شان بایستند.

نگاهی به مجموعه تلویزیونی مثل همیشه

شوخی با مسائل جدی

مجموعه تلویزیونی «مثل همیشه» در تلاش است مباحث و مسائل جدی اجتماعی را با بیانی فانتزی و طنزآمیز بیان کند و در این راه تا حدودی هم موفق شده است. چند سالی است شبکه یک سیما به دنبال راهی برای بیان مسائل اجتماعی به شیوه‌ای است که هم مورد نظر مخاطب قرار گیرد و هم بخشی از مشکلات فراگیر اجتماعی را مطرح کند و جمع‌بندی موثری هم برای آن در نظر گرفته شود. تولید و پخش مجموعه‌های تلویزیونی «جمعه تعطیل نیست» و «زندگی جاری است» از جمله این آثار است که هر هفته صبح جمعه از شبکه یک پخش می‌شد. اما این بار شبکه یک شیوه بیانی متفاوتی را برگزیده و به سراغ ساخت برنامه‌ای رفته که مسائل جدی را در قالب شوخی و فانتزی بیان می‌کند و این شیوه در برنامه «مثل همیشه» به خوبی پاسخگو بوده است.

داستان «مثل همیشه» درباره افراد یک محله است که همدیگر را می‌شناسند و با یکدیگر تعامل دارند. اما هر کدام از این شخصیت‌ها شغل و حرفه متفاوتی دارند و وقتی مسئله یا مشکلی در محله پیش می‌آید، هر کدام از آنها بر اساس نیازهای حرفه‌ای و مشخصات سواد و شغلی خود به این مسئله توجه نشان می‌دهند و به دنبال راه‌حلی برای آن می‌گردند. این تفاوت‌ها به سریال رنگ‌های مختلفی می‌دهد و شرایطی را به وجود می‌آورد که هر قسمت ویژگی‌ها و شرایط خود را پیدا می‌کند. استفاده از این تکنیک پیش از این هم مورد توجه برنامه‌سازان قرار گرفته و استفاده از فانتزی بخشی از مضامین آثار تلویزیونی طنزآمیز و کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص داده است. اما استفاده این سریال از فانتزی قابل توجه و کارگشا بوده است.

سازندگان «مثل همیشه» برای اینکه بتوانند به منظور خود در جهت القای فضایی واقع‌گرا آمیخته با فانتزی و طنز دست یابند، از دو گروه بازیگر استفاده کرده‌اند. یک گروه از بازیگران پیش از این سریال تجربه فعالیت در کارهای طنز و فانتزی را داشته‌اند که رامین ناصرنصیر، برزو ارجمند و نادر سلیمانی از آن‌دسته هستند. تعدادی دیگر از نقش‌پردازان نقش‌های واقع‌گرای اثر را ایفا می‌کنند که مرتضی احمدی، شراره درشتی و ملکه رنجبر از آن جمله‌اند. البته بیشتر این بازیگران حضور در آثار طنز را تجربه کرده‌اند، اما تعدادی از آنها حتی در کارهای طنز نیز نقش جدی بر عهده گرفته‌اند. این نکته هر چند در جهت بیان مضمون و القای اثر در نظر گرفته شده و تا حدودی نیز در این امر موفق عمل کرده، اما در عین حال پاشنه آشیل سریال هم محسوب می‌شود.

بازیگران این سریال به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که شخصیت‌های آنها در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند و تا حدودی همدیگر را به نوعی تعدیل کنند تا اثر یک‌سویه و تک‌بعدی نشود. اما تفاوت در سطح نقش‌پردازی شرایطی را فراهم ساخته که حضور تعدادی از بازیگران در یک قسمت باعث رشد و شکوفایی و زیبایی آن شود و در بخشی دیگر یک‌دست نبودن سطح کیفی بازی‌ها اثر را به شدت تحت‌تاثیر قرار دهد و نزول آن را در پی دارد. چون وقتی تعدادی از بازیگران در برابر نقش‌های مقابل خود به اصطلاح دیده نمی‌شوند، تعامل و تقابل لازم شکل نمی‌گیرد.

دیگر نکته منفی مجموعه «مثل همیشه» سطح فیلمنامه قسمت‌های مختلف و مضمون این آثار است. به این مفهوم که گاه فیلمنامه‌های این سریال در سطحی خوب و باکیفیت عرضه می‌شود که بیننده را جلو تلویزیون می‌نشاند. از سوی دیگر، مسئله مضمون در میان است که گاهی مضامین بسیار فراگیر و عمومی مطرح می‌شود و گاه به عکس موضوع به گونه‌ای انتخاب شده که تنها طیف مشخص و محدودی از جامعه بیننده اصلی آن محسوب می‌شوند. همین مسئله به شدت روی سطح کیفی سریال تاثیر می‌گذارد و شرایطی را به وجود می‌آورد که کمتر بیننده‌ای مخاطب مستمر سریال باشد و آن را به شکل جدی دنبال کند. همین مسئله انتقال مفاهیم به ذهن بیننده را با اختلال مواجه می‌سازد.

کارگردان «مثل همیشه» برای بیان مفاهیم و القای مضمون و خصوصیات آن، شیوه بیانی متفاوت و ویژه‌ای را انتخاب کرده است که هر چند ابتکاری نیست، ولی به شکلی کاربردی از آن بهره جسته است. ساختار کلی این برنامه به گونه‌ای است که در فضایی میان تله تئاتر و سریال‌های آپارتمانی شکل می‌گیرد. یعنی در این کار از دکور استفاده می‌شود و تمامی دیوارها و فضاهای فعالیت شخصیت‌های داستانی به شکلی مصنوعی در استودیو ساخته شده‌اند و سپس به سمت استفاده از این فضا به شیوه زندگی امروزی حرکت می‌شود که همین مسئله اثر را به سریال‌های واقع‌گرای خانوادگی تلویزیون نزدیک می‌کند. این شیوه به بازیگران امکان می‌دهد تا از توانایی‌های بیانی و بدنی خود به خوبی استفاده کنند و کمتر اسیر حرکات دوربین باشند. در عین حال از دو دوربین در ضبط این سریال استفاده شده است تا کمتر نیاز به حرکت و قطع‌های مکرر دوربین باشد. این ساختار فضایی صمیمی و قابل ارتباط را برای مخاطب به وجود می‌آورد و بازیگران را به سمت تاکید بیشتر بر بازیگری‌شان سوق می‌دهد تا اینکه آنها متکی به چهره یا بخشی از کلام خود باشند. البته این سریال بر اساس ماهیت خود متکی بر دیالوگ است. اما این تاکید در برخی از قسمت‌ها به اندازه‌ای زیاد می‌شود که بیننده را دچار خستگی می‌کند. بخشی از تیپ‌سازی این بازیگران روی صدا متمرکز شده و آنها سعی می‌کنند به طریقی ویژگی‌های شخصیتی خود را در قالب داستان ارائه کنند، همین مسئله استفاده از موسیقی به جای کلام یا تصویرسازی‌های جالب توجه را از اثر سلب می‌کند. علاوه بر این تاکید و استفاده زیاد از کلام به‌شدت روی ریتم کار تاثیرگذار است و گاه آن را کند و کشدار می‌کند. به‌خصوص اینکه مدت زمان هر قسمت از این سریال به نسبت زیاد است و کم‌مایه بودن داستان و زیاد بودن دیالوگ‌ها اثر را از ریتم می‌اندازد.

مجموعه تلویزیونی «مثل همیشه» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدوحید حسینی هر جمعه صبح از شبکه یک سیما پخش می‌شود. در این سریال مرتضی احمدی، شراره درشتی، رامین ناصرنصیر، برزو ارجمند، ملکه رنجبر و نادر سلیمانی تعدادی از شخصیت‌های اصلی را بر عهده دارند. شعر تیتراژ ابتدایی و انتهایی این سریال به وسیله داریوش ارجمند سروده شده و اجرای آن را امیریل ارجمند عهده‌دار بوده است. این اثر توسط گروه خانواده شبکه یک سیما تولید می‌شود.

تماشا

خرید رایت تصویری رمان‌های برگزیده

رایت تصویری رمان‌هایی که قابلیت تبدیل به فیلم دارند، توسط سازمان صداوسیما خریداری و تبدیل به فیلم می‌شوند. عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صداوسیما در گفت‌وگو با ستاد خبری نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب گفت: با توجه به اتکای تولیدات نمایشی بر متن و در راس آنها رمان، تصمیم گرفته‌ایم رایت تصویری رمان‌هایی که قابلیت تبدیل شدن به فیلم دارند را خریداری کرده و به شکل بانک اطلاعات در سازمان صداوسیما ذخیره و نگهداری کنیم. وی تبلیغ کتاب و کتاب‌خوانی را جزء برنامه‌های اصلی صداوسیما اعلام کرد و افزود: به منظور گسترش فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی، سازمان صداوسیما ۷۰ درصد تخفیف به صورت یارانه برای معرفی کتاب‌ها در نظر گرفته است.

سینما چهار پربیننده‌ترین برنامه

نظرسنجی صداوسیما نشان می‌دهد میانگین مدت تماشای شبکه چهار سیما در بین بینندگان این شبکه در فصل زمستان، یک ساعت و ۲۳ دقیقه در روز بوده است. برنامه «سینما چهار» با ۵۴ درصد بیننده، از پربیننده‌ترین برنامه‌های شبکه چهار سیما در فصل زمستان ۸۴ بوده است.

دیرباز در «در چشم باد»

«کامبیز دیرباز» در گفت‌وگو با ایلنا، خبر از بازی خود در این سریال داد و گفت: این سریال تلویزیونی کاری از «مسعود جعفری جوزانی» است که تهیه‌کنندگی آن را «حبیب‌الله کاسه‌ساز» برعهده دارد. پروژه «در چشم باد» پس از ۳ ماه تعطیلی به علت جابه‌جایی لوکیشن از اوایل خردادماه بار دیگر آغاز می‌شود، ضمن آن که فیلمبرداری فاز دوم آن رو به پایان است و فاز سوم هم به زودی آغاز می‌شود.

از شنبه تا پنجشنبه

شبکه جهانی جام‌جم در حالی یکشنبه، ۲۴ اردیبهشت‌ماه، فیلم تلویزیونی «از شنبه تا پنجشنبه» را به روی آنتن برد، که پیش از این نمایش این فیلم از شبکه سراسری سیما به دلیل مشکلات پخش لغو شد. فیلم تلویزیونی «از شنبه تا پنجشنبه» توسط حجت قاسم‌زاده اصل کارگردانی شده و درباره زن و مردی است که از شنبه با هم دعوا و پنجشنبه آشتی می‌کنند. آتنه فقیه‌نصیری، فرهاد قائمیان، خسرو فرخزاد و حمیدرضا پگاه از جمله بازیگران این فیلم تلویزیونی هستند که قرار است از جام‌جم ۳ (ویژه هموطنان ایرانی ساکن آسیا) پخش شود.

آدمخوار کلید می‌خورد

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «آدمخوار» امروز کلید می‌خورد. در «آدمخوار» بازیگرانی چون رامبد شکرآبی، شهرام عبدلی، حبیب دهقان‌نسب، و... به ایفای نقش می‌پردازند. «آدمخوار» در ۱۳ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای در موسسه فرهنگی هنری وصف صبا تولید می‌شود.

تله‌تئاترهای خارجی در شبکه چهار

پخش نخستین سری از مجموعه تله‌تئاترهای خارجی با پخش تله‌تئاتر «دشمن مردم» اثر آرتور میلر که براساس «دشمن مردم» هنریک ایبسن نوشته شده در شبکه چهار سیما آغاز می‌شود. به گزارش سایت ایران تئاتر، این تله‌تئاتر به کارگردانی پل بوگارت ۲۷ اردیبهشت‌ماه از شبکه چهار سیما پخش خواهد شد. میترا علوی طلب تهیه‌کننده تله‌تئاترهای خارجی شبکه چهار سیما با اشاره به تهیه تله‌تئاترهایی از نمایشنامه‌های نویسندگان بزرگی چون شکسپیر، ویلیامز، ایبسن، کلیفورد اودز و دیگران به سایت ایران تئاتر گفت: «این تله‌تئاترها در خارج از کشور و عمدتاً در انگلستان و آمریکا تولید شده‌اند و کار ما روی این آثار شامل تدوین، ترجمه و دوبله آنها است.» وی افزود: «تاکنون تله‌تئاترهای «دشمن مردم»، «رومئو و ژولیت»، «ژولیوس سزار»، «دشمنان» و... را در فهرست پخش قرار داده‌ایم.» وی درباره دلایل تدوین این تله‌تئاترها گفت: «بسیاری از این تله‌تئاترها زمان طولانی دارند. برای مثال آثار شکسپیر سه‌ساعته هستند. از آنجا که تلویزیون یک رسانه عمومی است و اغلب مردم علاقه و فرصت دیدن کارهای طولانی را ندارند مجبور می‌شویم زمان تله‌تئاترها را برای سلیقه عموم کوتاه کنیم.» علوی طلب درباره تله‌تئاتر «دشمن مردم» گفت: «دشمن مردم» یک متن از آرتور میلر است که او آن را براساس «دشمن مردم» هنریک ایبسن نوشته است. در آن جیمز دالی، فیلیپ سولفو و کیت رید به کارگردانی پل بوگارت حضور دارند. این تله‌تئاتر که محصول کمپانی «کولتور» آمریکا است با مدت ۱۲۰ دقیقه نگاه آرتور میلر را به متن «دشمن مردم» ایبسن نشان می‌دهد.»